

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی / ۱۳۷۷/۰۹/۲۵

برای تداوم راه انقلاب، برای عمق بخشیدن به فکر انقلاب و به این اندیشه‌ی بلند و بزرگ، بسیج شوید. فلسفه‌ی انقلاب، یک بنای فکری شامخ است؛ بنای فکری و دارای آن قدر استحکام که توانست یک نظام را که بزرگترین قدرتهای دنیا پشتیبانش بودند، منهدم و زیر و رو کند، یک نظام نو به وجود آورد و تمام کسانی را که در دنیای امروز، چیزی شبیه آن نظام منهدم شده دارند، به خود بلرزاند! آری؛ به خود لرزیدند. این است که هنوز هم که هنوز است، تا حرف میزنند، میگویند جلو این صدور انقلاب را بگیرید؛ ما از این صدور انقلاب، خیلی میترسیم! این یعنی چه؟ یعنی این که فلسفه‌ی مستحکم قوی خوش بنیه‌ی اسلامی و الهی و قرآنی، همه‌ی کسانی را که وجه مشترک زیادی با آن نظام دارند - که این فلسفه، آن را منهدم کرده است - به خود میلرزاند! یک چنین چیزی است.

بیانات در دیدار اعضای هیات علمی کنگره امام خمینی(ره) / ۱۳۷۸/۱۱/۰۲

اساس حکومت اسلامی یک حرف نو در دنیا بود. واقعا در این قضیه، انقلاب نوآوری‌ای کرد که حریفها مات شدند. این به هیچ وجه شبیه بعضی چیزهایی که بعدا تشبیه می‌کردند، نبود؛ اصلا شباهتی با نظایر خودش نداشت. چیزی که در قانون اساسی و در کلمات امام و در عرف انقلاب به عنوان حکومت ولایت فقیه مطرح است، یک حرف کاملا نو در دنیاست. البته ممکن است گفته شود «ولایت فقیه» یک تعبیر عربی و آخوندی و طلیگی و کتابی است؛ در حالی که این مفهوم، بسیار نو و جدید است و معنای آن این است که ما در راس حکومت کسی را قرار دهیم که می‌دانیم تخلف نخواهد کرد. این چیز خیلی مهمی است. شما الان می‌بینید گرفتاریهای دنیا از کجاست. ما می‌خواهیم کسی را در راس حکومت بگذاریم که می‌دانیم تخلف نمی‌کند. ممکن است ما اشتباه کرده باشیم و او تخلف کند. از هر وقت فهمیدیم تخلف کرده، می‌فهمیم حضور او در این منصب بجا نیست؛ خودش و مردم هم این را قبول دارند. این نکته خیلی بدیعی در مبنای حکومت در دنیاست.

البته جنجال کردند و گفتند این فکر، قدیمی و ارتجاعی است. در همان زمانی که انقلاب پیروز شد، شاید بیش از دهها حکومت کودتایی در دنیا بود که افسری با چکمه و تفنگ آمده بود و حکومت را برای خودش گرفته بود؛ اما همه آن حکومتها مقبول و به رسمیت شناخته شده بودند و کسی با آنها حرفی نداشت؛ ولی با این حکومت و با امام و با این حرکت عظیم حرف داشتند! علت این است که حرف نویی در دنیا زده شد که قدرت هموردی با معیارها و فرهنگ سیاسی رایج دنیا را داشت. زور این کار حتما از زور مارکسیسم و حکومت کمونیستی در اول کار، بیشتر بود. البته بعد از ده، بیست سال، به خاطر تبلیغات و کارهایی که مارکسیسم کرد و جاذبه‌هایی که نشان داد، اوج گرفت؛ لیکن در آغاز کار، بلاشک زور و اقتدار این بیشتر از آن بود. چرا؟ به خاطر این که ناگهان در سطح دنیا، همه کشورهای که داخل آنها مسلمان زندگی می‌کرد، احساس هویت و شخصیت و احساس قبول و طوع نسبت به آن کردند. این برای آنها خیلی وحشت‌آور بود.

بیانات در دیدار اعضای هیات علمی کنگره امام خمینی(ره) / ۱۳۷۸/۱۱/۰۲

انقلاب حرف نویی زد و آن، حکومت اسلامی بود. این حرف نو، همیشه هم نو نمی‌ماند؛ این را ما باید قبول کنیم. ممکن است از اول نقصهایی داشته باشد؛ ممکن است در خلال، دچار ضعفها و نقصها و کج فهمیهای شود؛ در این تردیدی نیست. فکرهای صحیح و قوی باید به طور دائم کار کنند و این حرف نو را در جهت خود تکمیل نمایند و بدون این که به پایه آن ضربه‌ای بزنند و اساس آن را نفی کنند، نواقص آن را به طور مرتب برطرف سازند؛ یعنی بلاشک نوآوری لازم است. چیزی که ظرافت کار شما را مضاعف می‌کند و قبلا به آن اشاره کردم، این است که باید توجه کرد در این نوآوریها، تلقین پذیری از فرهنگ بیگانه - همان فرهنگی که در صد سلطه است - نقش نداشته باشد. امروز خرجهایی می‌شود برای این که تفکر حکومت غربی - به معنای اروپایی آن - در دنیا جهانگیر و همه گیر شود. دروغ می‌گویند؛ با فیلم و تبلیغات و روشهای گوناگون، چیزهایی را که حقیقت نیست، برای بزرگمایی و زیانمایی و ظاهرسازی، به عنوان حقیقت در دنیا منعکس می‌کنند تا افکار را جذب کنند. موثرترین کاری که مراکز قدرت اقتصادی و سیاسی می‌توانند بکنند، همین است. اینها در ذهنهای ما هم منعکس می‌شود؛ ولی ما باید توجه کنیم تاثیرپذیری نداشته باشیم.

اول انقلاب، کلمات دموکراسی و دمکراتیک و امثال آن، در زبان همه خیلی تکرار می‌شد. حاج احمد آقا پیغام آورد که امام می‌گویند این کلمات را نگویند. قبل از آمدن امام گاهی گفته شده بود «جمهوری دمکراتیک اسلامی»؛ اما امام روی همان «جمهوری اسلامی» تاکید داشتند. شاید بعضیها تعجب می‌کردند که کلمه دمکراتیک این قدر حساسیت ندارد؛ ولی این حساسیت، درست و بجا بود؛ به خاطر این که نفس کلمه بیگانه با خودش یک بار فرهنگی می‌آورد؛ نشان دهنده یک احساس است و آن احساس در انسان بتدریج تقویت می‌شود. باید توجه کنید گرتبه برداریهایی که از فرهنگ و دموکراسی غربی و لیبرالیسم می‌شود، به این جا راه پیدا نکند. ممکن است در باطن و ذات ولایت فقیه چیزهایی از این قبیل وجود داشته باشد؛ خیلی خوب، اگر دارد، ما آن را درآوریم و کشف و تنقیح و اصلاح کنیم؛ اما چیزی از بیرون القا و تحمیل نشود. به سیره خلافت و حکومت اسلامی در زندگی پیغمبر و امیرالمومنین و در بخشهای قابل قبول این حکومت نگاه کنیم؛ آن را بفهمیم و بر اساس آن کار کنیم.

بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی / ۱۳۷۹/۰۲/۲۹

انقلاب اسلامی یک تجربه جدید و یک حرف نو در دنیاست. نظام اسلامی یک حرف تازه در محیط سیاسی عالم است. این چیزی نیست که نظامهایی که منافع کلان قدرتهای مستقر و مسیطر عالم به آن آنها وابسته است، حاضر باشند به آسانی از سرش بگذرند. لذا مقابله و معارزه و کارشکنی و تهدید می‌کنند؛ برای این که بتوانند این تجربه جدید را به شکست بکشانند. بنابراین، مشکلات، تحمیلی است. علاوه بر ضعفها و فتورها و بی فکریها و عقب ماندگیهایی که در طول زمان بر ملت و کشور ما تحمیل شد، فشارهای دشمن هم زیاد است. در این محیط حقیقتا جنگ احزابی، مسوولان نظام وظیفه دارند از همه توانشان استفاده کنند؛ برای این که بتوانند یک قدم جلو برون و کاری انجام دهند و یکی از مشکلات را حل کنند و گره‌ها را بکشایند؛ و این با اخلاص، با صفا، با همکاری، با حفظ آن مبنای‌ای که این انقلاب براساس آن به وجود آمد، ممکن است.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۷۹/۱۱/۲۷

در مورد این انقلاب عظیم، به نظر من باید یک نکته همواره مورد توجه باشد و آن این است که این انقلاب حرف نویی را در جهان بشریت مطرح کرد. سعی بر این است که این حرف تازه و نو را که در دنیای امروز کاملا بدیع و جدید است، از صحنه خارج کنند و ذهنهای مردم، بخصوص جوانان را در همه عالم از این مقوله منصرف نمایند. آن حرف نو این بود که انقلاب، علیه حکومتهای مبتنی بر ناپرهیزکاری و ظلم قیام کرد. قرنهای متمادی در همه جای عالم - چه در ایران و چه در نقاط دیگر - ما شاهد بودیم و امروز هم هستیم که ملتها عادت کرده‌اند حکومتهای ناپرهیزگار و حکومتهایی را که انواع و اقسام ظلم از آنها سر می‌زند، مشروع بدانند و قبول کنند و تسلیم آنها شوند؛ چه حکومتهای موروثی که هیچ مبنای اعتقادی و فکری ندارند و هیچ منطقی دنبال آنها نیست؛ چه حکومتهای مبتنی بر کودتا و زورگویی و قدرت‌نماییهای نامشروع که آن هم هیچ منطقی دنبالش نیست و چه حکومتهای علی‌الظاهر مبتنی بر آرا مردم که اولای علی‌الباطن و فی‌الحقیقه مبتنی بر آرا و میل و خواست مردم نیست و ثانیاً آنها هم که در آغاز ورودشان چنین خصوصیتی را دارند، از انواع و اقسام تجاوزها و ظلمها پرهیز نمی‌کنند. شما به صحنه عالم در دو قرن نوزدهم و بیستم نگاه کنید و ببینید چقدر ظلم و استعمار و نسل‌کشی و شایع کردن انواع و اقسام فسادها در میان ملتهای گوناگون به چشم می‌خورد. همیشه دست همین قدرتها پشت چنین کارهایی بوده است؛ همین قدرتهایی که در کشورهای خودشان احیاناً ممکن است یک پوشش ظاهری موسوم به

دمکراسی هم داشته باشند؛ اما دمکراسی همه چیز نیست و در آن، عدل - که اساس حکومت صحیح است - وجود ندارد.

حکومت اسلامی و انقلاب اسلامی این حرف نو را مطرح کرد که حاکم و حکومت و قدرت سیاسی باید مبتنی بر پرهیزگاری، عدالت و حقیقت باشد. قانون اساسی بر این مبنا شکل گرفت. این حادثه بسیار مهمی در عالم است. این همان چیزی است که سالهای متمادی، از زمان «سید جمال» به این طرف، روشنفکران و نوآوران دینی درباره آن حرف می‌زدند و آن را می‌خواستند و آرزو می‌کردند؛ و همین حرف زدن و مطلب نوشتن و شعار دادن، خواب قدرتمندان عالم را برمی‌آشفته و آنها را عصبانی و وادار به عکس‌العمل می‌کرد. شما ببینید با روشنفکران اسلامی در همه مناطق اساسی اسلامی - اعم از مصر و هند و ایران و عراق و جاهای دیگر - در طول این صد سال، صدوپنجاه سال و دویست سال چه کردند.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۷۹/۱۱/۲۷

این تبلیغات فرنگی و این تهاجم فرهنگی چیز جدیدی نیست؛ آنچه که جدید بود - که ما در این چند سال بر روی آن تکیه کردیم - روشهای نویی بود که در داخل کشور شروع شد و هنوز هم ادامه دارد. در دنیا تهاجم فرهنگی علیه انقلاب، از تهاجم سیاسی و اقتصادی سریعتر و همه‌گیرتر و همه‌جایی‌تر بود. انواع و اقسام کارها را کردند؛ چقدر علیه اسلام و انقلاب و مبانی اسلامی و مبانی شیعی، که فکر می‌کردند در پدید آمدن این انقلاب نقش داشته، فیلم ساختند - که امروز آن را به رایانه و اینترنت هم کشانده‌اند - و همه کارهایی را که می‌توانستند، انجام دادند؛ برای این‌که جلو این سخن نو را - یعنی این‌که باید قدرت سیاسی در کشور در دست انسانهای پرهیزگار و عادل باشد و شرط این اقتدار سیاسی، پرهیزگاری و عدالت باشد - بگیرند. این سخن نو چیزی است که هر صاحب قدرتی را در دنیا تکان می‌دهد و هر دستگاهی را که از قدرت، انتفاع مادی می‌برد، دچار وحشت می‌کند. لذا همه جای دنیا با این فکر مخالفند.

چه کسانی با این فکر موافقت؟ انسانهای مظلوم و محروم و طبقات مختلف مردم؛ کسانی که از رنج ظلمها و ناپرهیزگاریها، مدت عمرشان را در انواع سختیها می‌گذرانند. به طور طبیعی پشتوانه و عقبه انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی، توده‌های عظیم مردمند؛ در درجه اول در کشورهای اسلامی و سپس در همه جای دنیا؛ آنجایی که این حقیقت معلوم شود. در خط مقدم دشمنان این انقلاب و این حکومت هم، قدرتمندان سیاسی هستند که نمی‌توانند کارشان را بر اساس پرهیزگاری و عدالت پیش ببرند. این حرف نویی است که انقلاب آورده؛ این سخن نویی در دنیا است؛ ما نباید این سخن نو را رها کنیم.

بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۰/۰۶/۰۵

دولت کریمه دارای پیام است و برای دنیا حرف نو دارد. ما این حرف نو را داریم. امروز مردم‌سالاری دینی‌ای که ما در کشور خود مطرح می‌کنیم، یک حرف نو است؛ نه فقط به خاطر این‌که ما شاخه‌ای از مردم‌سالاری را ارائه می‌دهیم؛ خیر، ما در واقع در مردم‌سالاریهای دنیا شبیه می‌کنیم. من حقیقتاً در مردم‌سالاریهای دنیا خدشه دارم؛ برای خاطر این‌که انتخابات و گزینشها در دنیا تحت تاثیر عوامل تبلیغاتی‌ای است که یکسره دست سرمایه‌دارهاست. چه کسی است که از تاثیر عوامل ارتباطاتی امروز یکسره غافل باشد؟ می‌گویند روزنامه‌ها در آمریکا یا در انگلیس آزاد است. من سوال می‌کنم کدام روزنامه متعلق به قشرهای متوسط و پایین مردم است تا آدم از آزادی روزنامه، آزادی آن قشر را کشف کند؟ روزنامه‌ها متعلق به چه کسانی است؟ کارتلها و تراستهای بزرگ و سرمایه‌دارها. بله، روزنامه‌ها آزادند؛ یعنی آنها آزادند که هرچه می‌خواهند، بگویند. آنها برخلاف مصلحت خودشان حرفی نمی‌زنند. این مربوط به آنهاست که مظهر و مادر و آورنده دمکراسی‌اند و به آن افتخار هم می‌کنند. شما ملاحظه کنید، دولتهایی هستند که از آنها دمکراسی را گرفتند. مثلاً در میان همسایه‌های ما - من نمی‌خواهم اسم بیاورم - دولتهایی هستند که عنوان دمکراسی را با خود دارند، اما در حقیقت، حاکمیت با نظامیان است. یک وقت کسی وسط میدان می‌آید و بدون این‌که اعتنایی بکند که انتخاباتی وجود دارد، همه را کنار می‌زند و بر سر کار می‌آید و می‌شود حاکمیت نظامی! یا حاکمیت انحصاری احزاب است و کسی جرات ندارد غیر از نامزد آن حزب، نامزدی معرفی کند؛ انتخاباتی با یک نامزد برای ریاست جمهوری! امروز در میان کشورهای اسلامی و در مجموعه‌هایی که ما در آن زندگی می‌کنیم و با آنها تعامل داریم، کدام کشور است که مثل جمهوری اسلامی، آحاد مردم، قشرهای گوناگون و طبقات متوسط آن بیایند و در انتخابات شرکت کنند؟ اگر یک وقت سرمایه‌دارها هم بخواهند در حزب و جناح و تشکیلاتی اعمال نفوذ کنند، از ترس، این کار را مخفیانه می‌کنند؛ چون بدنام هستند.

بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان / ۱۳۸۰/۰۸/۱۲

در ابعاد جهانی - حتی در دنیای غیر اسلام - هم انقلاب اسلامی تاثیر گذاشت و توجه به قدرت مذهب در بسیج انسانها را در دنیا مطرح کرد. مذهب - که یک پدیده منزوی و تشریفاتی محض بود - ناگهان آنچنان یک ملت را بسیج کرد که توانست یک نظام متکی به حمایت‌های بین‌المللی را به کلی به خاک سیاه بنشانند و اجازه ندهد بر روی ویرانه‌های آن، خلا به وجود آید؛ بلکه نظامی با حرفهای نو بر سر پا کند. فائیلین همه حرفهایی که برای بشریت ایده‌آل بود - مساله عدالت، انسانیت و تکریم انسان، برابری انسانها، برابری نژادها، لزوم مبارزه و مقابله با زورگوییهای بین‌المللی - و کسانی که در دل‌هایشان حرفهایی بود، ولی جرات نمی‌کردند آنها را ابراز کنند و یا میدانی برای ابراز نمی‌یافتند، دیدند نظام سیاسی مستقری در یک گوشه از دنیا به وجود آمده، این حرفها را روی پلاکارد نوشته و در مقابل چشم جهانیان بلند کرده است. این برای آنها، بسیار فوق‌العاده بود.

در زمان جنگ ویتنام که علیه آمریکا تبلیغات زیاد بود، اما کسی گوشش بدهکار نبود و اعتنا نمی‌کرد، زان پل سارتر نویسنده و فیلسوف فرانسوی و برتراند راسل فیلسوف و نویسنده انگلیسی و چند نفر دیگر دور هم جمع شدند و گفتند بیایم علیه آمریکا دادگاهی تشکیل دهیم و جنایات این رژیم در ویتنام را در این دادگاه محاکمه کنیم. آنطور که به ذهن می‌آید، برتراند راسل به عنوان دادستان، زان پل سارتر به عنوان رئیس دادگاه، و چند نفر دیگر هم از متفکران سیاسی دنیای غرب بودند. آنها در دنیا هیچ نقطه‌ای را پیدا نکردند که این دادگاه را در آنجا تشکیل دهند! کشورهای غربی - از جمله فرانسه و انگلیس - کشورهای خود اینها بود و شریک جرم آمریکا بودند؛ بنابراین معنا نداشت چنین دادگاهی در این کشورها تشکیل شود. در کشورهای کمونیستی هم اگر این دادگاه تشکیل می‌شد، صبغه کمونیستی پیدا می‌کرد و چون اینها ضد مارکسیسم بودند، نمی‌خواستند در این کشورها برگزار شود. بنابراین هیچ نقطه آزادی در دنیا وجود نداشت که اینها دادگاه را در آنجا تشکیل دهند. راه حلی که به نظرشان رسید، این بود که رفتند یک کشتی اجاره کردند و در آبهای آزاد اقیانوسها این دادگاه نمایشی را تشکیل دادند! بنابراین وقتی عده‌ای متفکر می‌خواستند به جنایات آشکار آمریکا در ویتنام اعتراض کنند، یا باید به اعتراضات خیابانی متوسل می‌شدند - مثل همین کارهایی که امروز در دنیا علیه جهانی‌گری می‌شود. هرچا کنفرانس جهانی‌سازی (گلوبالیسم تحت رهبری آمریکا) تشکیل می‌شود، تظاهرات خیابانی شکل می‌گیرد و عده‌ای شعار می‌دهند و چهار نفر پلیس هم با باتوم می‌آیند؛ ولی این تظاهرات چندان اهمیتی ندارد و تاثیرگذار نیست؛ صرف یک ابراز اعتراض است - یا اگر می‌خواستند کاری بکنند که بتواند در افکار عمومی دنیا اثر بگذارد، هیچ نقطه‌ای در دنیا وجود نداشت که آنها بتوانند به آن متکی باشند؛ لذا یک کشتی انتخاب کردند و وسط آنها رفتند و بدون اتصال به هیچ مردمی و بدون داشتن امتداد ملی‌ای، این کار را کردند. در چنین دنیایی؛ در فقط یک فضا و محیط مناسب برای زدن یک حرف حساب، ناگهان بر روی خاک، روی همین زمین، آن هم نه در یک زمین اجاره‌ای یا میدان فوتبال؛ بلکه در یک کشور، آن هم نه در یک نقطه دورافتاده دنیا؛ بلکه در خاورمیانه و حساسترین منطقه جغرافیای سیاسی دنیا، یک ملت چند ده میلیونی، با یک انگیزه تمام نشدنی، ناگهان وسط میدان آمد و نه فقط به آمریکا و پشتیبانان او اعتراض کرد و به همه انگیزه‌های استکباری آمریکا «نه» گفت که حتی به شوروی هم که قطب مقابل آمریکا بود، اعتراض می‌کرد!

من در زمان ریاست جمهوری، در کنفرانس غیر متعهدها در زیماوه شرکت کردم. کنفرانس غیر متعهدها عمدتاً در اختیار چپ‌ها بود. البته دولتهای متمایل به غرب و

امریکا هم در آنجا بودند؛ اما کارگردان عمده، یکی رابرت موگابه و دیگری فیدل کاسترو بود - که اینها چپ بودند - بقیه روسای جمهور چپ دنیا هم که طرفدار شوروی بودند، حضور داشتند و عمده کارگردانی در دست اینها بود. من رفتم در آنجا سخنرانی کردم. سخنرانی من صددرصد ضد آمریکایی و ضد استکباری بود. حقایق انقلاب، حقایق کشور، جرایم آمریکا، جرایم علیه ملت ایران، مسائل مربوط به جنگ تحمیلی و امثال اینها را گفتم. بعد با همان صراحت و شدت، به تجاوز شوروی به افغانستان حمله کردم. اینها مبهوت مانده بودند! یکی از همان روسای جمهور چپ به من گفت، تنها غیر متعهد در این کنفرانس، ایران است. ببینید؛ نظام اسلامی در ابعاد جهانی، این‌طور اهمیت و جلوه پیدا می‌کند و حتی دشمنانش مجبور می‌شوند به آن احترام کنند.

علاوه بر اینها، آن چیزی که بخصوص برای توده‌های مردم در جهان غیر اسلامی جاذبه داشت، معنویت بود. درست است که معنویت را از زندگی مردم زدوده‌اند؛ اما همان مردمی که از معنویت محرومند و در زندگی مادی غوطه‌ورند، احساس خلا و کمبود می‌کنند. مثل آدم معتادی که حاضر نیست ترک اعتیاد کند؛ اما اگر به او بگویند یک نفر با زور تو را وادار می‌کند تا اعتیادت را ترک کنی، خوشحال می‌شود و از خدا می‌خواهد که با زور دستش را ببندد و به او مواد نرساند تا راحت شود! بسیاری از جوامع غربی در چنین حالتی بودند و هستند. آری؛ آنها در مادیت غرق و از معنویت دورند؛ اما احساس خلا و کمبود می‌کنند. آنها دیدند که نظامی با این قدرت سیاسی، با این روحیه بالا، با این همه حرفهای نو برای دنیا و با این نفس تازه به میدان آمده و معنویت هم همراه اوست؛ کار را با نام خدا آغاز می‌کند و برای خدا به پایان می‌برد؛ می‌خواهد دنیا را با نام خدا بسازد و از دنیا هم مثل دستگاه رهبران کلیسای عبور نمی‌کند. ببینید؛ هویت جمعی ملت ایران - یعنی نظام اسلامی - داستانش این است. چیزی است که هم از لحاظ ملی، هم از لحاظ اسلامی و هم از لحاظ جهانی اهمیت دارد. این نظام در آغاز پیدایش، آنچنان دنیا را به خودش جذب کرد که به همان اندازه که دل‌های بی‌طرف و بی‌غرض جذب آن شدند، کارگردانان و سردمداران و نگهبانان سلطه بین‌المللی و جهانی از آن نگران و ناراحتند و در مقابلش ایستادگی می‌کنند.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان / ۱۳۸۲/۰۷/۲۲

اگر انقلاب متکی به اعتقاد دینی و ایمان اسلامی نبود، نمی‌توانست پیروز شود. ایمان یکایک مردم بود که توانست این حرکت را به‌وجود آورد و استمرار بخشد. قبل از انقلاب اسلامی همه نهضت‌های صدوپنجاه سال اخیر همین هدف را دنبال کردند، ولی با ناکامی روبه‌رو شدند. انقلاب توانست در همان راه با قدرت پیش برود و بر عوامل ناکامی‌اش غلبه کند. چرا؟ چون انقلاب اسلامی حرف نوبی را به میان آورد؛ حرف نوبی که می‌توانست در دنیای افکار عمومی، بخصوص در دنیای اسلام، برای خود جا باز کند. قسمت اعظم این حرف نو توحید بود؛ با معنای عمیق و دقیق و همه‌جانبه آن. توحید یعنی حاکمیت ارزشهای الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر بر ارزشهای انسانی و اصل. بنابراین توحید ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی بود.

رکن دیگر انقلاب اسلامی، توجه به کرامت انسان است. جامعه‌ای که در یک مجموعه جغرافیایی و سیاسی زندگی می‌کند، کرامتش اقتضا می‌کند که آزاد و مستقل باشد و استعداد او شکوفا شود؛ بر سرنوشت خود مسلط باشد؛ مورد تحقیر و اهانت قرار نگیرد و شخصیت ذاتی او بروز کند. این چیزی بود که در طول دوران حکومت‌های استبدادی و سپس حکومت وابسته پهلوی نادیده گرفته شده بود. حکومت‌های استبدادی گاهی خدمات بزرگی هم از قبیل فتوحات و عمران و آبادی به ملت کرده‌اند؛ اما بزرگترین ارزش انسانی هر انسان را که عبارت است از آزادی، اختیار، استقلال و در اختیار داشتن سرنوشت خویش، از ملت ایران گرفته بودند. این طبیعت همه حکومت‌های دیکتاتوری است.

متأسفانه باید به شما بگویم که در بسیاری از کشورهای که پرچم دیکتاتوری ندارند، بلکه پرچم آزادی و لیبرالیسم و تکیه به رای مردم دارند، باطن کار همان دیکتاتوری و تسلط بر اراده‌های مردم است. در حقیقت امروزه در بسیاری از کشورهای که شعار و شیوه سیاسی‌شان دموکراسی است، مردم از آزادی اندیشه، فکر و اختیار برای تصمیم‌گیری برخوردار نیستند و این آزادیها تحت لایه‌های گوناگون تبلیغات، پنهان می‌شود. این چیزی است که امروز روشنفکران برجسته غرب - چه در آمریکا و چه در اروپا - به‌صراحت آن را بیان می‌کنند. کرامت انسان - که انقلاب اسلامی پرچمدار کرامت انسان است - نقطه مقابل این حالت و رویه است.

امروز دشمنان در تبلیغات خود می‌خواهند این‌طور وانمود کنند که ایران باید به سمت دموکراسی برود! انقلاب، ایران را از آزادترین نوع دموکراسی برخوردار کرد؛ امروز ایران کجا می‌خواهد برود؟! دموکراسی یعنی مردمسالاری؛ یعنی حکمیت و معیار بودن رای مردم در شیوهی سیاسی حکومت و اداره کشور. این کاری است که انقلاب به‌صورت معجزه در ایران انجام داد؛ کاری که اصلاً تصورش در تمام طول دوران دهها سال بعد از مشروطه تا انقلاب اسلامی وجود نداشت. البته در دوران نهضت ملی که انتخابات آزاد وجود داشت، این‌کار عملی شد؛ ولی متأسفانه بر اثر اشتباهات مکرر مسوولان وقت، این دوران بیش از حدود دو سال طول نکشید. به‌رحال، منظور این است که غیر از آن دوران کوتاه، یک روز ملت ایران در این کشور برای انتخاب سرنوشت خود آزادی نداشت.

ملت ایران به برکت انقلاب توانست با کرامت خودش آشنا شود، ببیند، تصمیم بگیرد و اقدام و انتخاب کند. خوشبختانه ایمان عمیق ملت ایران به مبانی اسلامی به‌طور طبیعی مردمسالاری را بر پایه تفکرات دینی استوار کرد، که بهترین شکل مردمسالاری هم همین است. در چارچوب ارزشهای اسلامی و دینی است که می‌توان به‌طور مطلق از مردمسالاری حمایت کرد، و این به‌طور طبیعی در کشور ما پیش آمد؛ چون مردم ما مومند و ایمانشان سطحی نیست.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان / ۱۳۸۲/۰۷/۲۲

عزیزان من! این سخن نو - توحید، کرامت انسان و عدالت اجتماعی - در دنیا جا باز کرد؛ اینها سه رکن اصلی است. ما باید همه عقب‌ماندگیهای خود را در این سه رکن، عقب‌ماندگی بدانیم. هرچه شخصیت و رفتار ما مسوولان از رفتار توحیدی فاصله بگیرد و احترام ما به زندگی، شخصیت، هویت و عزت مردم کاهش پیدا کند و به هر مقدار که شکافهای طبقاتی علاج نشود و عدالت اجتماعی به معنای حقیقی در کشور دنبال نگردد، این عقب‌ماندگی است. باید همه تلاش ما این باشد که عقب‌ماندگیها را جبران کنیم؛ فضای جامعه هم باید این‌چنین باشد. این‌که گاهی به بعضی کسان - مسوولان و دیگران - هشدار می‌دهم، به‌خاطر همین نقطه نظر است.

من معتقدم تلاش برای عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف طبقاتی، بزرگترین مسوولیت ماست. خوشبختانه در این جلسه جمعی از مسوولان استان هم حضور دارند که خواهش می‌کنم روی این مسائل فکر کنند. امروز مهمترین مساله ما این است که بتوانیم شکاف طبقاتی بین فقیر و غنی را پر کنیم. بزرگترین خدمت به جوانان این است که بتوانیم استعدادهای آنها را بارور کنیم؛ امکانات تحصیلی برایشان فراهم نماییم و بعد به فکر شغل و کار برای آنها باشیم. این‌که من گاهی نهب می‌زنم فلاحت مساله فرعی و جناحی یا دعوای سیاسی را وارد میدان مناقشات عمومی نکنید، به‌خاطر همین است، والا این‌که دو جناح و حزب در صد مساله با هم اختلاف داشته باشند و به سر و کله هم بزنند، به هیچ جای کشور صدمه‌ای نمی‌زند. انتظار بنده از مجلس، دولت و مسوولان در همه رده‌ها این است؛ به معنای واقعی کلمه، مسائل اساسی کشور را بشناسید.

دیدار اساتید و دانشجویان بسیجی با رهبر انقلاب / ۱۳۸۲/۰۶/۰۹

امروز هم یک راه نو در مقابل پای بشریت گذاشته می‌شود و به بشریت عرضه می‌شود. این راه، راهی که جمهوری اسلامی باز کرده و در بین این همه مزاحمتها پیش می‌رود، راه نویی است. امروز هم همان عوامل مزاحم آنروز وجود دارد. ابزارها تطور و تنوع پیدا می‌کنند؛ اما نقشه همان نقشه است؛ هندسه میدان همان هندسه صدراسلام و دوران امیرالمومنین است. یک طرف بشریتی است که از معنویت جدا افتاده است؛ روابط انسانی و معنوی تحت تأثیر مادیات قرار گرفته است. این فضا به قدرتمندان؛ یعنی زرمندان و زورمندان امکان داده است که بر اکثریت مردم زمین غلبه پیدا کنند؛ این همان وضعیت آنروز است. اکثریت قاطع انسانهای روی زمین - از این پنج، شش میلیاردی که امروز در دنیا زندگی می‌کنند - در مشت و زیر نفوذ فکر و پول و ابزار و سیاست یک مجموعه کوچکند، که نه اراده‌ی آنها، نه خواست آنها، نه احساسات آنها و نه مطالبات آنها، هیچ‌کدام، برآورده نمی‌شود؛ یعنی ظلم؛ نقطه‌ی مقابل عدل.

اسلام برای ایجاد عدل به‌وجود آمد و امروز هم حرکت و جهتگیری جمهوری اسلامی برای عدل است. عنوان استکبار که امروز در فرهنگ سیاسی ما و به تبع در فرهنگ سیاسی دنیا رایج شده، یعنی چه؟ استکبار یعنی همان بلای همیشگی که گریبان بشر را در طول تاریخ گرفته است؛ یعنی یک عده عزیز بی‌جهت، مقتدر بی‌جهت، گریبان انسانها را بگیرند، بر آنها استعلا و کبر بفروشند، وجود، سرمایه‌ها و حقوق طبیعی آنها را ندیده بگیرند و از آنها در خدمت منافع خودشان استفاده کنند؛ این واقعیتی است که امروز در دنیا وجود دارد. کیست که تحلیل سیاسی و دید سیاسی داشته باشد و به اوضاع دنیا نگاه کند و این مسائل را نبیند و نشناسد؟! امروز مساله این است؛ مساله، مساله‌ی عدل است. همان ابزارهایی که آنروز برای درهم شکستن این حرکت به‌وجود آمد، امروز هم وجود دارد. البته آنروز این ابزارها به‌خاطر ارتباطاتی که آنروز وجود داشت - محدودیت ارتباطات - در همان دایره‌ی کوچک عصیتهای قبیله‌ی - شهر مکه و اطراف آن و بعد یک‌قدری وسیعتر - بتدریج تا مناطق دیگر گسترش پیدا کرد؛ لکن امروز به‌خاطر تسهیل ارتباطات و متصل شدن همه‌ی بخشهای دنیا به هم، این فشار و صف‌آرایی از سوی همه است؛ از همه‌جاست؛ حتی فلان حکومت کوچک و محقر در یک گوشه‌ی دنیا هم، که کسی یا خانواده‌ی هستند و بر ملت کوچکی حکومت می‌کنند و در ارتباط با دستگاه استکبار و اختاپوس زر و زور خودشان را سرپا نگه داشته‌اند، با این نهضت مخالفند؛ به‌خاطر این‌که این دستگاه بالطبع به آنها هم ضربه می‌زند. در مقابل، مجموعه‌ی حق‌طلب و داعیه‌داران این فکر هم، به همین نسبت، دامنه‌ی طرفدارانشان در دنیا یا بالفعل یا بالقوه گسترده است.

هر ملتی که امروز از شرایط نابرابر نظام سلطه در جهان رنج می‌برد، اگر بداند که شما برای چه مبارزه می‌کنید و جمهوری اسلامی حرفش چیست، بالقوه جزو سربازان جمهوری اسلامی است؛ بعضی‌ها هم بالفعل. این یک واقعیت است که بیداری اسلامی در دنیا شروع شده؛ این را نمی‌شود انکار کرد. در دنیای اسلام و در بین نخبگان و حتی در مواردی در بین توده‌ی مردم، نگاه دوباره به هویت و به تشخص اسلامی، میل به عزت اسلامی، توجه به سرفصلهای اسلامی برای احقاق حقوق ملتها و انسانها، به‌وجود آمده و این حرکت از آن حرکتهایی نیست که وقتی در ملتی به‌وجود آمد، بشود آن را به‌آسانی از بین برد؛ نه، این روزبه‌روز در ملتها عمیق می‌شود. خیلی برای استکبار زحمت دارد تا بتواند این بیداری، نخواستگی و این احساس اعتزاز به هویت اسلامی را در بین ملتها از بین ببرد؛ خیلی کار دشواری است.

این جریان که امروز در دنیای اسلام به‌وجود آمده، سرچشمه‌اش نهضت عظیم اسلامی در ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی است که بیانات و حقایق آشکار آن، سخنان امام و خط و راه امام بود که هرجا در دنیا این حرفها رفت، بدون این‌که بداند گوینده‌ی آن کیست، حرفها در لوح دل انسانهای حق‌طلب ترسیم شد و نام امام به تبع این حرفها و شعارها در دلهای مردم جا گرفت، تا این نهضت را به برکت امام در همه جا شناختند.

اگر ما عدالت اجتماعی را مطرح می‌کنیم، مساله‌ی ما به تمام معنا یک مساله‌ی جهانی است. ما به مسائل کوچک در باب عدالت اجتماعی اکتفا نمی‌کنیم. ما عدالت اجتماعی را برای فرد خودمان، جامعه‌ی مان و برای کل بشریت مطالبه می‌کنیم و می‌خواهیم. ما اگر بحث کرامت انسانی را مطرح می‌کنیم، کرامت انسانی در همه‌ی ابعاد آن و در همه‌ی مراتب و طبقات آن مورد نظر ماست. بزرگترین اهانت به کرامت انسانی، نظام سلطه در جهان است؛ سلطه‌ی سیاسی و سلطه‌ی اقتصادی که امروز برقرار است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۲/۰۸/۱۵

ملاحظه کنید! نظام جمهوری اسلامی به وجود آمد؛ قدرتهای مسلط دنیا در آن روز می فهمیدند که نظام جمهوری اسلامی برای مقاصد قدرت طلبانه‌ی آنها یک تهدید است؛ این را درک می‌کردند، لذا از اول با او مخالفت کردند؛ اما این تهدید به خاطر خود کشور ایران نبود، بلکه به خاطر این بود که جمهوری اسلامی حرف نو و حرف تازه‌ی است؛ در دنیای اسلام و در عرصه‌ی سیاست بین‌الملل، حرف و ایده‌های نو جمهوری اسلامی، جزو ایده‌های جذاب است و خیلی از مبانی آنها را متزلزل می‌کند.

بیانات در دیدار مردم ابرکوه / ۱۳۸۶/۱۰/۱۵

امروز ملت ما با تکیه بر تاریخ مشعشع خود، با تکیه بر استعدادهای درونی خود و با تکیه بر اسلام و ایمان - که امروز سخن نو برای بشریت دارد - دیگر خودش را یک ملت عقب‌مانده نمی‌داند، خود را باور دارد. این همان چیزی است که همت ملی را برمی‌انگیزد، مردم را برای رسیدن به قله‌های پیشرفت آماده می‌کند و آنها را تشویق می‌کند. عرض من به شما برادران و خواهران، بخصوص به شما جوانان این است که نگذارید این احساس شیرین امیدواری به آینده در شما زائل شود. این کشور به‌ناحق عقب‌مانده نگه داشته شد. ما امروز پیشرفتهای زیادی کردیم، اما این پیشرفتهای نسبت به آنچه که شان ملت ایران است و جایگاه ملت ایران است، کم است. ملت ایران یک روزی در قله‌ی علم و اقتدار مادی و معنوی قرار داشته است به برکت اسلام. ما امروز اسلام را بازیابی کرده‌ایم؛ آغوشمان را به روی اسلام باز کردیم، اسلام را با نگاه متناسب با زمانه و با پیشرفت زمانه به دنیا عرضه کردیم. امروز تفکر سیاسی اسلامی، تفکر اجتماعی اسلام، تفکر گرایش معنوی اسلام، تفکر اسلام در مورد روابط داخلی و درونی افراد جامعه با هم، میتواند در دنیا مثل یک دستورالعمل، مثل یک سرمشق مطرح شود؛ نه اینکه این حرف را ما برزیم یا من اینجا بگویم؛ این سخنی است که امروز اندیشمندان باانصاف دنیا همین حرف را می‌زنند.

بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم / ۱۳۸۷/۰۲/۲۱

این قانونی که شما [نمایندگان مجلس] دارید تنظیم می‌کنید، در واقع نرم‌افزار حرکت عظیم این کشور است؛ یک کشور، یک ملت، هفتاد میلیون جمعیت، که فی نفسه یک چیز بسیار خطیر و بسیار عظیمی است؛ در هر کجای دنیا که باشد، با هر جور مردمی که باشد، مسئولیت سنگینی است، لیکن در شرایط ما، مسئله از این‌ها بالاتر است؛ مسئله، این است که همین کشور شما، این انقلاب شما، این نظام جمهوری شما، راه نوی را در برابر پای بشر امروز گشوده است. این‌ها تعارف نیست، این‌ها عمق و متن تفکری است که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بر اساس او تشکیل شده. دنیای امروز - نگاه کنید به اطراف دنیا، نگاه کنید به نظامهای اقتصادی - بر پایه‌ی نجات انسان تشکیل نشده. این چیزی نیست که امروز احتیاج به برهان و استدلال داشته باشد. به قله‌های رفیع تمدن امروز یا دموکراسی‌های رایج و نامدار امروز نگاه کنید و ببینید دعواها در آنجا بر سر چیست. نظامها بر محور و بر روی کاکل چه کسانی و چه چیزهایی دارند حرکت می‌کنند و می‌چرخند؛ چقدر برای انسان، برای کرامت انسان، برای انسان بما هو انسان ارزش قائلند و دل می‌سوزانند؛ چقدر برایشان حقوق ملت‌ها ارزش دارد و می‌توان از حدود حقوق خود در تجاوز به حقوق دیگران کاست و مانع از تجاوز به حقوق دیگران شد. ببینید در دنیا این حرف‌ها چقدر محور تحرک و فعالیت و فکر انسان‌هاست. خبری از این چیزها نیست.

امام یک وقتی فرمودند بعضی منتظرند که دنیا پر از ظلم و جور بشود، تا امام زمان بیاید. بعد ایشان فرمودند دنیا امروز پر از ظلم و جور است، مگر نمی‌بینید در دنیا چه می‌گذرد؟ مگر نمی‌بینید با ملت‌ها چه می‌شود؟ مگر نمی‌بینید با انسانیت چه جوری دارد رفتار می‌شود؟ مگر نمی‌بینید عدالت چگونه بکلی در انزواست؟ نمونه‌های فراوان هرروزه‌ی همیشگی همه‌جایی این ظلم و جور را انسان دارد در دنیا مشاهده می‌کند. نظام جمهوری اسلامی فریاد رسا و بلند و متکی به تفکری است که در قبال این حرکت عظیم و وحشیانه و کورانه بلند شده؛ یک چنین مسئله‌ای است. این که گاهی از بعضی زبان‌ها شنیده می‌شود - که درست است - که ما با نظام مسلط بر دنیا چالش داریم و مسئله داریم، یک واقعیت است. طبیعت اسلام این است؛ «فمن یكفر بالطاغوت و یومن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی». این معنای اسلام است. یعنی ایمان بالله به تنهایی کافی نیست؛ کفر به طاغوت، مقدمه‌ی صحت و صداقت و قبولی ایمان بالله است. کفر به طاغوت یعنی چه؟ یعنی همین نظام‌های سلطه‌ی موجود در دنیا. این معنایش این نیست که جمهوری اسلامی ایران حالا. تنگ دست گرفته است که راه بیفتد این طرف و آن طرف، با نظام‌های دنیا بجنگد؛ نه، این که خیلی ساده‌لوحانه است. بحث بر سر مطرح شدن یک فکر نو، یک راه نو در مقابل بشر است؛ مثل دعوت انبیا. دعوت انبیا همین‌جور است؛ «الذین یبلغون رسالات الله».

بیانات در دیدار شاعران در ماه مبارک رمضان / ۱۳۸۷/۰۴/۲۵

انقلاب حرف نوی را آورده، آن هم حرف نوی که تا امروز نشان داده که نامیرا است. هر کار کردند این را از بین ببرند، نتوانستند. روز به روز توسعه پیدا کرده، روز به روز نفوذ بیشتر پیدا کرده و قدرت‌های بزرگ را به چالش گرفته و فشارهای این‌ها را خنثی کرده. شما امروز ببینید کدام ملت در دنیا هستند، کدام کشور، کدام دولت در دنیا وجود دارد که بتواند صریح در مقابل شعارها و اهداف متجاوزانه و زیاده‌طلبانه‌ی استکبار بایستد. جز ملت ایران؟ هیچ ملت دیگری وجود ندارد. هیچ دولت دیگری وجود ندارد. این به برکت همین پیام است. این استحکامی را که ساخت این نظام به برکت این پیام نو پیدا کرده، نمی‌شود دست کم گرفت؛ این چیز خیلی مهمی است. این پیام باید داده بشود. این پیام، پیام عدالت است؛ این پیام، پیام معنویت است؛ این پیام، پیام تکریم به معنای حقیقی انسان است، نه تکریم آمریکایی که سر تا پای آن دروغ و دغل است. این‌ها پیام‌های خیلی مهمی است؛ این‌ها را باید درست منتقل کرد و همان طور که گفتم، هیچ‌کدام از این‌ها را هم نمی‌توان کپی‌برداری کرد و طوطی‌وار گفتن آن‌ها هم فایده ندارد. یعنی باید این‌ها را فهمید، در ذهن حل کرد، حلاجی کرد و داد.

بیانات در دیدار سفرا و روسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور / ۱۳۹۰/۱۰/۰۷

واقعیت‌های صحنه را باید نگاه کرد. حرکت عظیمی اتفاق افتاده. حرکت، حرکت مردمی است؛ نشان دهنده‌ی بیداری است. این بیداری، صبحه‌ی اسلامی دارد. نه اینکه همه‌ی آنهایی که توی صحنه هستند، معتقد به حکومت اسلامی باشند؛ و نه اینکه آنهایی که معتقد به حکومت اسلامی هستند، مدل ما را قبول داشته باشند؛ اینها نیست، اینها تحلیلهای ضعیفی است، اینجوری نمیشود فرض کرد؛ اما این حرکت، حرکتی عمومی است؛ حرکتی است متکی به مردم. مردم هم، حتی ملی‌گراهاشان، حتی آن وطنی‌هاشان، احزاب غیراسلامی‌شان، بالاخره شخصا مسلمانند. این تحلیل درستی بود که خود غربی‌ها کردند؛ گفتند امروز در هر کشوری از کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه که انتخابات بشود، اسلامی‌ها سر کار می‌آیند. الان هم همین جور است، بعد از این هم تا مدتها همین جور خواهد بود. باید با این چشم مسائل را نگاه کرد.

حوادث اروپا هم که در پی مشکلات اقتصادی به وجود آمده، خودش یک داستان مفصلی است. این حوادث، مهم و بی‌تظیر است. اینجور حادثه‌ای را ما دیگر سراغ نداریم. در این کشورها، به شکل زنجیره‌ای و سریالی، از آمریکا گرفته تا داخل کشورهای درجه‌ی یک اروپا، اینجور مردم شعار بدهند، اینجور بیایند توی خیابانها، اینها چیزهایی است که سابقه ندارد. در گذشته‌ی منطقه، ما یک چنین وضعیتی را نمی‌شناسیم.

باید دیپلماسی را بر این اساس استوار کرد. جمهوری اسلامی حرف نوئی دارد؛ این حرف نو عبارت است از مردم و ارزشهای الهی. این دو تا باید با هم توأم بشوند و حرکتها و جوامع را شکل بدهند. این حرف ماست. ارزشهای معنوی و ارزشهای الهی، همراه با اراده‌ی مردم؛ نه تحمیل بر مردم. این حرف جدید جمهوری اسلامی است، که از خود کلمه‌ی «جمهوری اسلامی» هم برمی‌آید. ما، هم جمهوری هستیم، هم اسلامی هستیم. این را بایستی تبیین کرد؛ و شما برای این کار میدان دارید، میتوانید حرکت کنید.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها / ۱۳۹۱/۰۵/۲۳

در مقابل سترون و نازا بودن غرب در برونزائی اندیشه‌های نو - که بعد از اومانیسیم و مکتب‌هایی که متکی به اومانیسیم هستند و فلسفه‌های زائیده و منشا گرفته‌ی از اومانیسیم غربی، دیگر غرب زایش فکری نداشته و ایده‌ی نو برای بشر و حیات انسان ارائه نداده - جمهوری اسلامی دارای زایش فکری است. ما برای مسائل روحی انسان، برای مسائل اجتماعی انسان، برای مسائل حکومتی انسان، حرف‌های تازه‌ای داریم. حرف تازه معنایش این نیست که اگر گفته شد، همه‌ی دنیا آن را قبول خواهند کرد؛ معنایش این است که یک جریان جدیدی را در دریاچه‌ی عظیم فکر بشری به وجود می‌آورد؛ موج‌آفرینی میکند. ما امروز در زمینه‌ی مسائل سیاسی، «مردمسالاری دینی» را عرضه میکنیم؛ در زمینه‌ی مسائل عمومی اجتماعی، «ابتنا تمدن بر معنویت» را ارائه میکنیم؛ در زمینه‌ی گوناگون، «کرامت انسان» را مطرح میکنیم؛ «آمیختگی دین و زندگی» را مطرح میکنیم. اینها حرف نوئی است؛ اینها هیچ وقت در دنیا وجود نداشته؛ حتی قبل از دوران مادیرگی و اومانیسیم غرب و روی کار آمدن اندیشه‌های سکولار هم اینجور نبود که دین با زندگی توأم و همراه باشد؛ ابدا. بله، در یک بخشهایی از دنیا روحانیون حکومت داشتند؛ حکومت کلیسا. حالا با تاریخ پیچیده و طولانی که اروپا دارد، بین دستگاه‌های کلیسایی و حکومتها یک جنگی بود؛ اما به هر حال دستگاه‌های کلیسایی هم حکومت داشتند. این معنایش این نبود که زندگی مردم آمیخته‌ی با دین است؛ دین منشا مقررات و قوانین زندگی برای مردم است؛ بهیچوجه چنین چیزی در غرب وجود نداشته؛ در کشورهای اسلامی هم هرگز وجود نداشته، جز در صدر اسلام. این حرف نوئی است که امروز ما داریم مطرح میکنیم و می‌گوئیم دین با زندگی یکی است. زندگی چیست؟ زندگی یعنی سیاست، فعالیت، تجارت، اقتصاد و همه چیز؛ این حرف نوئی است که دارد مطرح میشود.

بیانات در دیدار نجیبان و مسئولان استان خراسان شمالی / ۱۳۹۱/۰۷/۲۵

اروپائی‌ها امروز با لحن قرن نوزدهم حرف می‌زنند! آن روزی که کشتی انگلیسی می‌آمد در خلیج فارس، از داخل کشتی، فرمانده انگلیسی به شیوخ خلیج فارس پیام میداد که فلان کار را نکنید، فلان کار را نکنید؛ آنها هم مثل نوکر خم میشدند، میگفتند چشم! اروپائی‌ها خیال میکنند امروز هم قرن نوزدهم است. حکومت‌هایی هم که در کشور ما سر کار بودند، حکومت‌های باعرضه و باغیرتی نبودند که بتوانند هویت و اصالت ملت ایران را در برخوردشان منعکس کنند؛ تأثیرپذیری داشتند، سایش داشتند. آنها میتوانند در سیاست اینها، در فرهنگ اینها اثرگذاری کنند؛ اینها را در باطن، مغلوب خودشان کنند. ببینید، یک شخصیت، یک نفر انسان و یک ملت - فرقی نمیکند - آن وقتی در عرصه‌ی ظاهر مغلوب میشود که در باطن نفس خودش مغلوب شده باشد. آنها چون مهاجم بودند، این طرف هم دنیاپرست بود، ماده‌پرست بود، دنبال سلطنت خودش بود، دنبال ریاست خودش بود، دنبال پول خودش بود، دنبال ملک و تجارت خودش بود - دنبال آرمانهای بلند نبود؛ دنبال همین خواسته‌های حقیر بشری بود - لذا او بر این غلبه میکرد. امروز هم خیال میکنند آنجوری است.

امروز مسئله، مسئله‌ی سخن نوئی است که جمهوری اسلامی در دنیا مطرح کرده و مستکبرین عالم را دستپاچه کرده. امروز مستکبرین عالم در موضع کسانی نیستند که بخواهند با زبان مهاجم با انقلاب اسلامی حرف بزنند. امروز انقلاب اسلامی توانسته است فکر خود را در دنیا منتشر کند. علی‌رغم همه‌ی

سانسورهای که آنها کردند، علی‌رغم فشارهایی که وارد کردند، امروز این فکر، فکری است که رائج شده. فکر مردم‌سالاری دینی، فکر حاکمیت معنویت و حاکمیت دین، فکر حضور مردم در عرصه‌ها، فکر مقابله‌ی در مقابل زورگونی‌های قدرتهای جهانی و بلوکهای قدرتمند جهانی؛ این فکرها امروز رائج شده. شما می‌بینید که در دنیا این فکرها رائج شده؛ حالا به اسم ایران نیست، نباشد؛ ما اصرار نداریم که حتما به اسم ایران باشد؛ اما هیچ کس هم در دنیا نیست که تأثیر انقلاب اسلامی و ایستادگی ملت ایران را در این حوادث انکار کند. امروز مسئله این است.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

امروز هم ملت ایران آرمانهایی دارد، داعیه‌هایی دارد، حرفهای بزرگی دارد؛ هم برای کشور خودش، هم برای دنیای اسلام، هم برای عالم بشریت. در مقابل ملت ایران هم گرگهای گرسنه، سبغهای افسارگسیخته، این کمپانی‌های زر و زور، این مجموعه‌های دنیاطلب دنیاپرست صف کشیده‌اند؛ اسلحه میسازند، اسلحه صادر میکنند، جنگ می‌افروزند، سازمان ملل را با میل و اراده‌ی خودشان می‌چرخانند؛ هر جا میخواهند، افراد نظامی میبرند؛ حنایت میکنند، از ظلم حمایت میکنند، از صهیونیستهای غاصب حمایت میکنند؛ ظلم میکنند در جامعه‌ی بشری، با قدرت ظاهری، با کیکه و دیدبیه‌ی ظاهری؛ از قبیل همانی که نمونه‌اش را در دوران طاغوت در ایران میدیدیم. امروز هم یک عده‌ای میگویند: آقا مگر میشود در مقابل این صف به‌هم‌پیوسته‌ی دشمنان مسلح به پول و زور و رسانه و اقتصاد و سیاست و همه چیز ایستاد؟ مگر میشود پیش برد؟ امروز هم همان حرف است. این یک تجربه است.

بله، این حرف ما نیست؛ این حرف قرآن است؛ اگر برای خدا پا در میدان گذاشتید و ایستادگی کردید، پیروزی قطعی است؛ «و لو قاتلکم الذین کفروا لولوا الابدان ثم لا یجدون ولیا و لا نصیرا. سنه الله الی قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلا». این فقط مربوط به ماجرای جنگ صدر اسلام نیست که «و لو قاتلکم الذین کفروا لولوا الابدان»؛ سنت الله است.

بله، آن وقتی که ما حرف حساب خودمان را بلد نباشیم، ندانیم، یا بلد نباشیم بگوئیم و طرح کنیم، یا پای آن حرف نایستیم، یا وسط راه با وسوسه‌های شیطانی یا وسوسه‌های نفس یا تبلی‌ها یا سست کنیم، مجاهدت به جانی نخواهد رسید؛ معلوم است. بحث بر سر آنجائی است که: «لینصرن الله من ینصره». دیگر از این تاکید، بالاتر نمیشود. اگر نصرت خدا بکنیم - نصرت خدا با فکر کردن، اندوختن اندیشه‌های ناب، مطرح کردن درست آن در عالم، پای آن ایستادن، تدبیر برای پیشبرد آن به کار بردن، در مقابل خطرات آن سینه سپر کردن - «لینصرن الله»؛ خدای متعال حتما و قطعا نصرت خواهد کرد. معنای «لینصرن» این است؛ یعنی خدا حتما و قطعا نصرت میکند. «و من صدق من الله قیلا»؛ از خدا راستگوتر کیست؟

ملت ایران اینها را در عمل تجربه هم کرده است. اگر شما ملت عزیز ما، شما جوانهای خوش‌روحیه و پرتوان و عازم، در این راهی که دارید میروید، ایستادگی کنید، شک نکنید که در زمان خود، در زمان متناسب، تمام آمال و آرزوها و داعیه‌ها و شعارهای ملت ایران نه فقط نسبت به خود این کشور، بلکه نسبت به دنیای اسلام و امت اسلامی و جامعه‌ی بشری تحقق پیدا خواهد کرد. هر کاری دوره‌ای دارد، زمانی دارد؛ در زمان متناسب خود، این آرزوها تحقق پیدا خواهد کرد. ملت ایران به آن نقطه‌ای که مورد نظر اوست، به دنبال آن حرکت کرده است، اهتمام ورزیده است، خواهد رسید؛ راهش مقاومت کردن است.

آن وقت چه اتفاقی می‌افتد؟ مسیر تاریخ دنیا تغییر پیدا خواهد کرد؛ مسیر تاریخ عوض خواهد شد. امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است؛ یک عده در دنیا سلطه‌گرند، یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی‌امر و ولی‌عصر (ارواحنا له الفدا) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست، این بسته به معرفت امروز من و شماست.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی / ۱۳۹۱/۱۱/۲۸

دولتمردان آمریکا مردم غیرمنطقی‌ای هستند؛ حرفشان غیرمنطقی است، عملشان غیرمنطقی است، زورگویانه است؛ توقع دارند دیگران در مقابل کار غیرمنطقی آنها و زورگونی آنها تسلیم شوند؛ خب، بعضی هم تسلیم میشوند؛ بعضی از دولتها، بعضی از نخبگان سیاسی در برخی از کشورها در مقابل پرونی و زورگونی آنها تسلیم میشوند؛ اما ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی تسلیم‌شدنی نیست. نظام جمهوری اسلامی حرف دارد، منطق دارد، توانائی دارد، اقتدار دارد؛ لذا در مقابل حرف غیر منطقی و کار غیر منطقی تسلیم نمیشود.

بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی / ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

سوال این است که آیا مطرح کردن اقتصاد مقاومتی در شرایط کنونی، به معنای این است که ما یک حرکت مقطعی میخواهیم انجام بدهیم؟ چون حالا کشور دچار تحریم و دچار فشار و دچار جنگ اقتصادی است، همچنان که مثلا هیئت‌های فکر و عمل برای مقابله با جنگ اقتصادی تشکیل میشود، این سیاستها را برای این ابلاغ کرده‌ایم؟ جواب این است که نه، به‌هیچ‌وجه این‌جوری نیست؛ این سیاستها سیاستهای بلندمدت است؛ برای امروز هم مفید است، برای دورانی که هیچ تحریمی هم ما نداشته باشیم مفید است؛ یعنی سیاستهای بلندمدتی است که بنای اقتصاد کشور بر اینها گذاشته میشود؛ تدبیر مقطعی نیست، این یک تدبیر بلندمدت است، یک سیاست راهبردی است. طبعاً کشوری مثل کشور ما - کشور ما کشور بزرگی است، کشور ریشه‌داری است، کشور دارای موقعیت ممتازی است، امروز در دنیا کشور بسیار آبرومندی است، دارای فرهنگ مترقی است، دارای سابقه‌ی درخشان و مترقی است، دارای هدفهای بلندی است، حرف نویی مطرح کرده، کشوری با این خصوصیات - نیاز دارد به اینکه اقتصاد آن با همان خصوصیات باشد که در سیاستهای اقتصاد مقاومتی مورد ملاحظه قرار گرفته. عرض کردیم این سیاستها سیاستهای متجری نیست، بسته نیست که اگر چنانچه یک فکر جدید، یک طرح جدید، راه نویی در دنیا به‌وجود آمد، نتواند آن را در خودش هضم کند، به‌هیچ‌وجه این‌جور نیست؛ قابل انعطاف است، میتواند تکمیل بشود، میتواند توسعه پیدا کند، لکن خط مستقیم آن تغییر پیدا نخواهد کرد.

بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی / ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

نکته‌ی سوم [از انگیزه‌ها و عوامل تهیه‌ی سیاستهای اقتصاد مقاومتی]، تهدیدهای اقتصادی خارجی است. خب تحریمها از قبل بود، منتها این تحریمها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی، دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست، یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است. علت آن هم، نه مسئله‌ی هسته‌ای است، نه مسئله‌ی حقوق بشر است، نه مسائل دیگری از این قبیل است؛ علت آن را خود آنها هم میدانند، ما هم میدانیم؛ علت، استقلال‌خواهی ملت ایران است؛ علت، داشتن یک حرف نو بر پایه‌ی میانی اسلام است که برای کشورهای دیگر و ملت‌های مسلمان الگو خواهد شد؛ میدانند که اگر جمهوری اسلامی در این عرصه‌ها و میدانها موفق شد، دیگر جلوی رشد این حرکت را در دنیا نمیشود گرفت و این یک حرکت مهمی است؛ مسئله این است. حالا بهانه یک روز انرژی هسته‌ای است، یک روز غنی‌سازی است، یک روز حقوق بشر است، یک روز حرفهایی از این قبیل است. تحریمها علیه ما، قبل از اینکه اصلا مسئله‌ی انرژی هسته‌ای مطرح هم بشود وجود داشت، بعد از این هم وجود خواهد داشت. این مسئله‌ی هسته‌ای و این مذاکرات اگر ان‌شاءالله به نقطه‌ی حلی برسد، باز خواهید دید همین فشارها وجود خواهد داشت، باید در مقابل این فشارها مصونیت‌سازی کرد، باید به بنای داخلی استحکامبخشی کرد. اقتصاد را باید قوی کنیم تا دشمن از تأثیرگذاری از این ناحیه مایوس بشود؛ وقتی دشمن مایوس شد، خیال ملت و مسئولین کشور هم راحت خواهد شد.

بیانات در مراسم بیست و پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۲/۰۲/۱۲

هیچ قدرت و غلبه‌ای در مکتب امام که از تغلب و از اعمال زور حاصل شده باشد، مورد قبول نیست. در نظام اسلامی قهر و غلبه معنا ندارد؛ قدرت معنا دارد، اقتدار معنا دارد، اما اقتدار برخاسته‌ی از اختیار مردم و انتخاب مردم؛ آن اقتداری که ناشی از زور و غلبه و سلاح باشد، در اسلام و در شریعت اسلامی و در مکتب امام

معنا ندارد؛ آن قدرتی که از انتخاب مردم به‌وجود آمد، محترم است؛ در مقابل آن، کسی نایستی سینه سپر بکند، در مقابل او کسی نباید قهر و غلبه‌ای به کار برد که اگر یک چنین کاری کرد، اسم کار او فتنه است؛ این آن نسخه‌ی جدیدی است که امام بزرگوار ما به دنیا عرضه کرد و به ادبیات سیاسی عالم این فصل مهم را افزود. در این نسخه‌ی جدید، یکی از عناصر اصلی - همان‌طور که اشاره کردیم - به کمک مظلوم شناختن و با ظالم مقابله کردن است؛ به کمک مظلوم باید رفت که در دوره‌ی ما، در زمان ما، مصداق اتم مظلومیت ملت فلسطین بود که شما دیدید امام بزرگوار از روز اول تا آخر عمر، راجع به فلسطین تأکید کرد، تکیه کرد، حمایت کرد و وصیت کرد که این مسئله را ملت ایران و مسئولان کشور فراموش نکنند؛ کمک به مظلوم و ایستادگی در مقابل ظالم، نفی دست‌اندازی‌های ظالم، انکار صریح هیبت و ابهت ظالم و شکستن این ابهت؛ این هم یکی از بخشهای این نظام و این نسخه‌ی جدیدی است که امام بزرگوار ما عرضه کرد. این یک خلاصه‌ای و یک تصویر کوتاه و توصیف کوتاهی است از مجموعه‌ی آن نظم سیاسی و مبنای‌ای که امام بزرگوار ما پس از فروپاشی نظام پادشاهی به کشور آورد، عرضه کرد، مورد قبول قاطع مردم قرار گرفت، و تحقق پیدا کرد؛ و این نسخه مثل خیلی از حرفهای سیاسی، در کتابها نماند؛ آمد در واقعیت، تحقق پیدا کرد، تبلور پیدا کرد؛ ملت ایران هم همت کردند، وفاداری نشان دادند، فداکاری کردند، این را حفظ کردند، نگه داشتند، و روزبه‌روز قوی‌تر کردند تا به امروز رسیده است.

بیانات در مراسم بیست و پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۳/۰۳/۱۲

در زمینه‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی، جلوه‌ی بالای مردم‌سالاری در این کشور که ۲۵ سال است از انقلاب ما گذشته است، و در طول این ۲۵ سال، ۳۲ انتخابات داشتیم؛ ۳۲ انتخابات سراسری در این کشور به‌وجود آمده است؛ این شوخی است؛ یک نمونه‌ی بی‌نظیر [است]؛ انتخابات‌های جمهوری اسلامی با مشارکت‌های بالا - بالاتر از متوسط و میانگین جهانی و بعضا بسیار بالاتر؛ شرکت ۷۰ درصدی، ۷۲ درصدی؛ انتخابات‌های ما از این قبیل است - جلوه‌ی مردم‌سالاری [است]. نمونه‌ی بی‌نظیر دیگر دو پدیده‌ای است که ما مردم، با آنها عادت کرده‌ایم اما برای یک ناظر جهانی فوق‌العاده جذاب و مهم است، و آن عبارت است از راه‌پیمایی بیست‌ودوم بهمن و راه‌پیمایی روز قدس در ماه رمضان. جشن انقلاب را مردم به‌طور مداوم، هر سال تا این ۲۵ سال گرفته‌اند، با یک راه‌پیمایی عظیم پرشور پرشکوه در روزهای سرد پایان بهمن. ما عادت کرده‌ایم و اهمیت موضوع و عظمت موضوع به چشممان نمی‌آید اما ناظر جهانی، اینها را میبیند و برای او بسیار خیره‌کننده است؛ اینها عوامل آن جذابیتی است که کنجکاو‌ها را تحریک میکند و راه نوبی را به ذهنهای علاقه‌مندان و افرادی که اهل سوال و استفسار و تحقیقند، ارائه میدهد. این واقعیت مهم دوران ما است که عبارت است از توجه و کنجکاو عمومی در دنیای اسلام از سوی جوانها، روشنفکران، آگاهان و کسانی که اهل فهم مسائلمانند، نسبت به این پدیده‌ای که در کشور ایران اسلامی، به توفیق الهی و به تایید الهی تحقق یافته است و روزبه‌روز رشد کرده است.

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات / ۱۳۹۳/۱۰/۳۰

این را هم عرض بکنم که مسئله‌ی هسته‌ای و دعوای استکبار - که اصلش آمریکا است و آن بت بزرگ آمریکا است، بقیه‌ی دولتهای غربی‌ای هم که در این زمینه وارد شدند، آن بتهای حاشیه‌ای و دوربری هستند - با ما در قضیه‌ی هسته‌ای، فقط قضیه‌ی هسته‌ای نبود، والا میتوان سوگند یاد کرد که اینها میدانند که جمهوری اسلامی دنیال بمب هسته‌ای نیست؛ این را میشود قسم خورد؛ مسئله‌ی دیگری است. این جزئی از یک حرکت عمومی است برای زیر فشار قرار دادن ملت ایران، برای متوقف کردن حرکت انقلابی ملت ایران به سوی اهدافش، برای متوقف کردن گستره‌ی نفوذ روزافزون نظام جمهوری اسلامی در منطقه و در جهان؛ این یک واقعیتی است. نه اینکه ما دنیال کنیم این قضیه را؛ طبیعت کار این است؛ حرف نو است، جذاب است، دل‌های پاک و نیت‌های صادق آن را می‌پسندند لذا نفوذ جمهوری اسلامی و اعتبار جمهوری اسلامی گسترش پیدا میکند، اینها متوحش میشوند. هدف اینها این است که این را متوقف کنند؛ هدف اینها این است که به ملتها تفهیم کنند که جمهوری اسلامی ایران هم توانست بر اساس دین، یک نظامی را بر پا کند و ادامه بدهد و اداره کند؛ میخواهند این را نشان بدهند و هدف این است؛ این را باید همه متوجه باشند؛ مسئولین هم باید متوجه باشند، آحاد مردم ما هم توجه داشته باشند.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۹۶/۰۲/۲۷

من ترجیح میدهم چند جمله‌ای درباره‌ی آن صحبت کنم، مسئله‌ی انتخابات است. مردم - ملت ایران - خود را دارند آماده میکنند برای یک حماسه‌ی بزرگ، برای انتخابات، با شور و شوق. آن‌طوری که من می‌شنوم و اطلاع پیدا میکنم، بحمدالله شور و شوق انتخابات در سرتاسر کشور در مردم هست؛ مردم خودشان را دارند آماده میکنند. خب این خیلی مهم است؛ این درخشش ملت ایران در یک حماسه‌ی بزرگ دیگر است. هرکدام از این انتخابات‌ها که شما در آنها شرکت میکنید، یک حماسه است، یک حرکت عظیم مردمی است که جلوی چشم‌های مردم دنیا قرار میگیرد؛ عزت ملت را بالا میبرد، قدرت ملی را افزایش میدهد. انتخابات‌ها این [جور] است؛ مردم‌سالاری اسلامی را در مقابل چشم مدعیان سیاست در دنیا به نمایش میگذارد. مردم‌سالاری دینی یا مردم‌سالاری اسلامی یک اندیشه‌ی نو بود، یک تجربه‌ی نو برای بشریت بود که به‌وسیله‌ی نظام جمهوری اسلامی و امام بزرگوار عرضه شد؛ این را شما روز جمعه در مقابل چشم مردم دنیا - از سیاستمدار و تحلیل‌گر و مسئول و مدیر و غیر مدیر و آحاد ملت - به نمایش میگذارید و نشان میدهید؛ اهمیت انتخابات این است.

بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۶/۰۳/۱۲

جوانهای عزیز! انقلاب اسلامی که به‌وسیله‌ی امام بزرگوار تحقق پیدا کرد و با دست تدبیر او اراده‌ی الهی محقق شد، صرفا یک جابه‌جایی سیاسی نبود که یک گروهی از راس قدرت کنار بروند، یک گروه دیگر بیایند سر جای آنها؛ این نبود، بلکه انقلاب یک تحول عمیق بود؛ هم تحولی بود در سیاست کشور - در عرصه‌ی سیاست تحول عمیقی بود - هم تحولی بود در متن جامعه‌ی ایرانی. در عرصه‌ی سیاست این تحول به این معنا بود که یک دیکتاتوری بسته‌ی ارثی وابسته‌ی به دشمنان و دنباله‌رو بیگانگان را که در کشور حاکم بود - یک چنین حکومتی را - تبدیل کرد به یک حکومت مردم‌پایه که متکی به مردم است و مستقل است و سربلند است و دارای هویت است؛ در عرصه‌ی سیاست، این تحول عظیم اتفاق افتاد. در عرصه‌ی متن جامعه هم، جامعه‌ی ما یک جامعه‌ی بی‌هویت شده بود؛ ایران با این سابقه‌ی فرهنگی، با این عظمت، با این همه دانشمندان، با این فلسفه، با این معارف عظیم بشری در این کشور، تبدیل شده بود به یک جامعه‌ی دنباله‌رو غرب و بدون هویت. هدف انقلاب تغییر این وضعیت بود که جامعه را تبدیل کند به یک جامعه‌ی باهویت، دارای استقلال، دارای اصالت، دارای خلاقیت، دارای حرف نو؛ این انقلاب اسلامی، یک چنین تحولی بود که امام بزرگوار به کمک مردم، این انقلاب را به پیروزی رساند.

بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران / ۱۳۹۶/۰۶/۰۶

یک امتیاز دیگر این دوران این است که در سطح جهان، یک احساس خلا فکری و نیاز به یک فکر جدید موج میزند؛ در سطح جهان این‌جور است؛ دلزدگی و سرخوردگی از «ایسم»‌های مختلف - چه «ایسم»‌های چپ، چه «ایسم»‌های راست - در بین کشورها و بین اندیشمندان و بین جوانها بسیار زیاد شده؛ یک حالت خلا فکری [وجود دارد]، حرف نو جا می‌افتد. جمهوری اسلامی، هم در مسئله‌ی انسان، هم در مسئله‌ی جامعه، هم در مسئله‌ی سیاست حرفهای نو دارد؛ اسلام حرفهای نو دارد. ما اگر بتوانیم این حرفهای خودمان را حرفهای نوبی است در دنیا منتشر کنیم و به گوشها برسانیم، پذیرنده و طلبکار زیاد خواهد داشت. این یکی از خصوصیات امروز است.

بیانات در دیدار بسیجیان / ۱۳۹۶/۰۹/۰۱

انقلاب اسلامی یک پیشنه‌ی جدید، یک حرف نو برای زندگی انسانها بود. دنیای اسیر قدرتمندی و بازی قدرت قدرتمندان که به‌خاطر حفظ قدرت خودشان مردم را سوق میدادند به‌سمت مهالک اخلاقی و مهالک گوناگون فکری، احتیاج به یک سخن نو داشت؛ این سخن نو را انقلاب اسلامی تولید کرد، ایجاد کرد و آن را عرضه

کرد. این سخن نو عبارت از این است که بشریت میتواند به پیشرفتهای مادی، پیشرفتهای علمی، پیشرفتهای باب و مناسب ارزش انسانی دست بیابد، همراه با کسب رضایت پروردگار و همراه با حفظ ارزشهای الهی، و دنیا را از جهنمی که قدرت‌طلبان عالم و سیاستمداران دور از معنویت به وجود آورده‌اند نجات بدهد و در همین نشئه یک بهشت برای بشریت به وجود بیاورد؛ بهشت اطمینان، بهشت آرامش، بهشت احساس وظیفه، بهشت ارتباط با خدای متعال. این پیام انقلاب اسلامی بود.

بیانات در دیدار بسیجیان / ۱۳۹۶/۰۹/۰۱

امام فرمودند «جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد». «جمهوری» یعنی تکیه‌ی به قوت مردم، قدرت مردم، اراده‌ی مردم، ایمان مردم، ابتکارات مردم؛ یعنی نیروی انسانی، همان چیزی که مهم‌ترین عامل پیشرفت است؛ و «اسلامی» یعنی برای خدا، در راه خدا، متوجه به رضای الهی، در چهارچوب ارزشهای الهی و اسلامی. این معنای جمهوری اسلامی است؛ این حرف نویی بود در دنیا. کسانی که دم از اسلام میزدند، در دنیا بودند و هستند؛ زیاد هم بودند، به شکل‌های گوناگونی هم بودند؛ اما فرق است بین آن اسلامی که در چهارچوب یک نظام سیاسی در یک کشور تحقق پیدا میکند، با آن اسلامی که در مقاله و نوشته و سخنرانی و گفتگوهای گوناگون در داخل نظام جاهلی و نظام طاغوتی بخش می‌شود و گفته می‌شود و تکرار می‌شود اما زندگی واقعی زندگی طاغوتی است؛ اینها با هم خیلی تفاوت دارد. جمهوری اسلامی اسلام را، اسلام مورد آرزوی مسلمین را، در داخل یک مجموعه‌ی جغرافیایی و یک محدوده‌ی جغرافیایی - یعنی کشور ایران- در قالب یک نظام سیاسی تحقق بخشید. این به کمک و هدایت پروردگار و بیداری و هشیاری امام بزرگوار و مجاهدت و فداکاری ملت تحقق پیدا کرد، پایه گذاشته شد، طرح اولیه ریخته شد.

